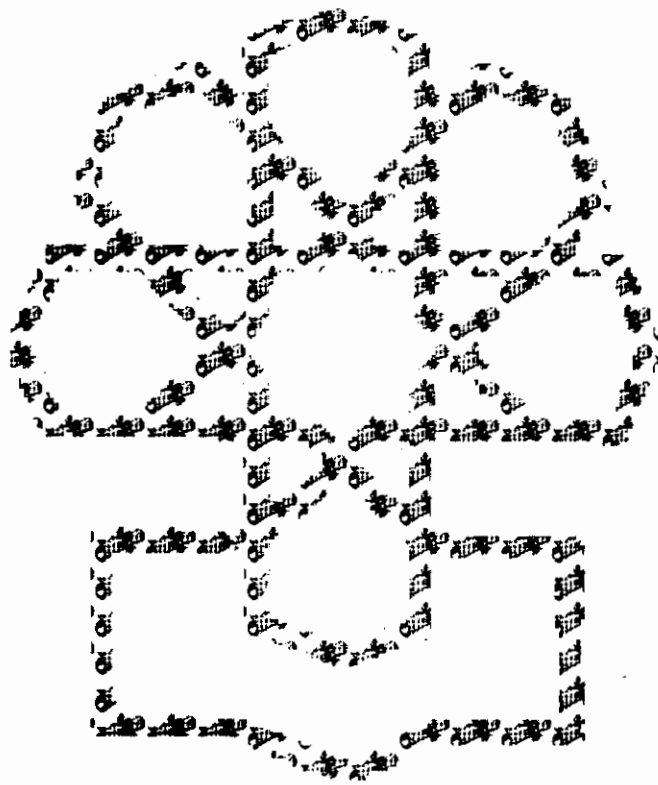


۵۷۶



درباره اتحادیه عرب



معاونت پژوهشی

بهمن ماه ۱۳۷۳

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی

این مطالعه حسب تقاضای جناب آقای سبحانی نیا نماینده محترم مجلس شورای اسلامی انجام پذیرفته است.

کد گزارش: ۱۴۰۰۵۷۶

۵۷۶



فهرست مطالب

- فصل اول: روند تاریخی تأسیس اتحادیه عرب
- فصل دوم: هدفهای سیاسی و اصول ساختاری اتحادیه عرب
- فصل سوم: ارکان اتحادیه عرب
- فصل چهارم: بودجه اتحادیه عرب
- فصل پنجم: نهادهای دفاعی و اقتصادی اتحادیه عرب
- فصل ششم: ویژگیهای سازمانهای تخصصی اتحادیه عرب
- فصل هفتم: روابط اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه عرب
- فصل هشتم: تنگناهای سیاست خارجی اتحادیه عرب



- * تشکیل اتحادیه عرب را می‌توان زاینده تجدید ناسیونالیسم ملت‌های عرب از یک سو و تأیید دولت انگلستان از سوی دیگر تلقی نمود.
- * به موجب پیمان ۱۱ مه ۱۹۴۵، اتحادیه کشورهای عرب علاوه بر کشورهای مؤسس از کشورهای عرب مستقل که داوطلب ورود به این اتحادیه بوده و تقاضای آنها پذیرفته شود، تشکیل می‌گردد.
- * اتحادیه عرب یک سازمان منطقه‌ای عربی-اسلامی با هویت مستقل بین‌المللی بوده، مضافاً از مزایایی که بر دیگر سازمان‌های بین‌المللی مترتب است نیز برخوردار می‌باشد.
- * تقویت روابط و توسعه همکاری، حفظ تمامیت ارضی و حل مسالمت‌آمیز منازعات میان کشورهای عضو از عمده هدف‌های این اتحادیه محسوب می‌شود.
- * با آن‌که کارنامه اتحادیه عرب از نقطه نظر عملکرد اقتصادی در قیاس با عملکرد سیاسی-نظامی سازمان پر بارتر است ولی این بعد نیز از مشکلات ناشی از عدم حصول به اجماع متأثر بوده است.
- * از نقطه نظر عملکرد سیاسی-نظامی، می‌توان این اتحادیه را از جمله ناموفق‌ترین اتحادیه‌ها قلمداد کرد.
- * یکی از ضعف‌های مهم این اتحادیه اختلاف نظر پیرامون چگونگی برخورد با مسئله فلسطین است.
- * امروزه برای کشورهای عضو اتحادیه، تعقیب منافع ملی و اولویتهای سیاست خارجی از چنان جایگاهی برخوردار بوده که هدف‌های اتحادیه را خدشه‌دار ساخته است.
- * در موضع‌گیری‌هایی که اعضای اتحادیه در قبال مسائل منطقه‌ای و یا جهانی اتخاذ کرده‌اند به وضوح می‌توان نبود انسجام و وحدت عملی میان اعضا را مشاهده کرد.

فصل اول: روند تاریخی تأسیس اتحادیه عرب

در خلال قرون هجده و نوزده میلادی، بیش از یک قرن، امپراتوری بریتانیا در منطقه حساس خاورمیانه حکومت می‌کرد؛ حکومتی بلامنازغ زیرا، برابر قدرت بریتانیا در آن منطقه قدرتی نبود که بتواند ابراز وجود نماید. اما جنگ جهانی دوم تا حد زیادی، قدرت و سیاست استعماری بریتانیا را در آسیا و آفریقا مضمحل ساخت. مردم کشورهای عرب خاورمیانه که بیش از دیگر ملت‌های این منطقه، طعم استعمار را چشیده بودند، هر روز بیش از پیش به حقوق مسلمی که مدت‌ها از آن بی بهره بودند واقف شده و با تحریک تدریجی، احساسات ناسیونالیستی آنها که هر روز دامنه‌دارتر می‌شد سراسر شمال آفریقا و خاورمیانه را فراگرفت. تشکیل جمهوری متحده عربی مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ در واقع سنگ بنای اولیه و عملی اتحادیه عرب به شمار می‌رود.

تاریخ قرن‌های نوزدهم و بیستم مصر نشان می‌دهد که این کشور همیشه برای خود، سیاست مستقلی را پیشه گرفته و همواره مدعی ریاست بر اعراب دیگر بود. علت چنین امری را می‌توان در سابقه درخشان فرهنگی و تمدن کم نظیر مصر جستجو کرد. مصریان هرگز حاضر نبودند خود را با سایر اعراب برابر بدانند و صرفاً زبان عربی را وجه مشترک خود با سایر اعراب می‌دانستند. احساس برتری مصریها بر اعراب دیگر و داعیه رهبری جهان عرب اسلامی چندین دهه است که به روشنی در مصر نمایان می‌باشد.

در سال ۱۹۳۰ «نوری سعید» اندیشه اتحاد کشورهای عربی را مطرح نمود و این در حالی بود که «ابن سعود» نیز به صورت رقیبی جدی در مقابل او عرض اندام می‌کرد. حمایت دولت انگلستان از ناسیونالیسم عربی و کمک به پیشرفت عراق، اندیشه ناسیونالیسم عربی را قوت بخشید و به این خاطر، مصر و عربستان سعودی نیز به عنوان رقبای عراق وارد جنبش سیاسی اعراب برای وحدت شدند.

در سال ۱۹۴۱ «آنتونی ایدن» وزیر خارجه انگلستان اعلامیه‌ای را در باره روابط دولت متبوعش با اعراب منتشر و ضمن آن تصدیق کرد که اعراب، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، قدم‌های مهمی را به جلو برداشته و متفکرین و شخصیت‌های عربی در فکر و آرزوی تشکیل حکومت واحد عرب و بهبود شرایط و وضعیت فعلی خود شده‌اند.

با توجه به این پیشینه، تشکیل اتحادیه عرب را می‌توان زاینده تجدید ناسیونالیسم ملت‌های عربی از یک سو و تأیید دولت انگلستان از سوی دیگر تلقی نمود. در واقع در فاصله میان دو جنگ جهانی، جنبش‌های آزادیبخشی در جهان عرب شکل گرفتند که در مرحله اول خواهان استقلال کشورهای عربی بودند و در مرحله دوم تمایل به وحدت و تشکیل حکومت واحد عربی داشتند. بر این اساس بود که در فوریه ۱۹۴۳، بریتانیا موافقت ضمنی خود را با تشکیل چنین اتحادیه‌ای اعلام کرد.

پس از این موافقت، اتحادیه به درخواست دولت مصر، یک کمیته مقدماتی از تاریخ ۲۵ سپتامبر تا ۷ اکتبر ۱۹۴۴ در اسکندریه تشکیل داده و موافقتنامه‌ای را تحت عنوان موافقتنامه اسکندریه به تصویب رساند. براساس مصوبات این پروتکل، مقرر گردید کمیته‌ای فرعی با وظیفه تهیه متن اساسنامه اتحادیه به وجود آید. این کمیته پس از بررسی‌های لازم، طرحی را تهیه کرد که در ۲۲ مارس ۱۹۴۵، در اولین کنگره کشورهای عربی-اسلامی - که متشکل از کشورهای اردن، سوریه، عراق، عربستان، لبنان، مصر و یمن

شمالی بود - به تصویب رسید. متن این پیمان در ۱۱ مه ۱۹۴۵ به مرحله اجرا گذاشته شد^(۱).
به موجب مفاد این پیمان: «اتحادیه کشورهای عرب، علاوه بر کشورهای مؤسس، از کشورهای عرب آزاد و مستقلی که داوطلب ورود به این اتحادیه بوده و تقاضای آنها پذیرفته گردد، تشکیل می شود». کشورهای عربی دیگری که پس از استقلال به این اتحادیه ملحق شدند عبارت بودند از: مراکش، لیبی، سودان، تونس، الجزایر، موریتانی، سومالی، جیبوتی، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، قطر، کویت، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین؛ و به این ترتیب بیست و یک کشور* به عضویت اتحادیه عرب درآمدند.

شایان توجه است که عضویت کشورهای کویت، یمن جنوبی، قطر و بحرین، ابتدا با مخالفت شدید چند کشور عضو اتحادیه رو به رو شد و چون شرط عضویت، معطوف به تصویب تمام کشورهای عضو بود، عضویت کشورهای یاد شده امکان پذیر نبود. تا اینکه سرانجام مقرر گردید که برای حل مشکل عضویت باید شرط «اتفاق آرا»ی اعضا کنار گذاشته شده و به نظریه به اصطلاح «استقلال» روی آورده شود. هر کشور عرب به محض استقلال حق عضویت در این اتحادیه را پیدا خواهد نمود و سرانجام اعضا مبنای ورود کشورهای جدید به اتحادیه را علاوه بر استقلال، معیارهای فرهنگی و زبانی و مذهبی قرار دادند.

طبق مواد ۱۸ و ۱۹ اساسنامه اتحادیه، هر کشور عضو می تواند با یک پیش آگهی یک ساله از این سازمان خارج شود؛ ولی در صورتی که اتحادیه، اساسنامه خود را اصلاح کرده و کشور عضو اتحادیه با آن اصلاحیه مخالف باشد دیگر نیازی به پیش آگهی نیست و کشور مخالف می تواند هر زمان که بخواهد از اتحادیه خارج شود^(۲).

در مقاطع زمانی مختلف، برخی از کشورهای عضو، به دلایلی اقدام به قطع روابط با اتحادیه نمودند و از همکاری با آنان اجتناب کردند. به عنوان مثال، تونس از اکتبر ۱۹۵۸ تا فوریه ۱۹۶۱ و عراق از ژوئیه ۱۹۶۱ تا مارس ۱۹۶۳ با این اتحادیه قطع رابطه نمودند.

اتحادیه عرب، یک سازمان منطقه ای عربی - اسلامی بوده و از هویت مستقل بین المللی برخوردار است و از مزایایی که بر دیگر سازمانهای بین المللی مترتب است نیز برخوردار می باشد.

فصل دوم: هدفهای سیاسی و اصول ساختاری اتحادیه عرب

۱- هدفهای اساسی اتحادیه عرب

اهم هدفهای اتحادیه عرب به شرح زیر قابل تقسیم بندی است:

الف - تقویت روابط، میان کشورهای عضو و توسعه همکاری در مسائل سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی

ب - حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو

ج - حفظ اقتدار دولتهای عرب و تضمین استقلال و حاکمیت آنها

۱- کلود آلبرگلیار، سازمانهای بین المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه هدایت الله فلسفی، (تهران: فاخسته، ۱۳۷۱)، صفحه ۲۹۷

*- در حال حاضر با ادغام دو یمن، تعداد اعضای اتحادیه عرب به بیست کشور رسیده است.

۲- همان منبع، صفحه ۴۹۸

فصل دوم: ساختار و مسأله‌ت آمیز منازعات

۲- اصول ساختاری اتحادیه عرب

اساسنامه این اتحادیه بر پایه مجموعه‌ای از اصول، مشابه اصول سازمان ملل متحد و سازمانهای منطقه‌ای دیگر استوار است. این اصول عبارت است از:

- الف- وجود موقعیت یکسان (از لحاظ حقوقی) برای کلیه اعضا
- ب- منع استفاده از زور برای حل مناقشات
- ج- دفاع مشترک اعضا در زمانی که یکی از آنها مورد تجاوز واقع شود
- د- عدم مداخله اتحادیه در امور داخلی اعضا

فصل سوم: ارکان اتحادیه عرب

از لحاظ ساختاری اتحادیه عرب از سه رکن اساسی تشکیل شده است:

۱- شورا

شورای اتحادیه، متشکل از کلیه کشورهای عضو است. هر کشور فقط حق یک رأی دارد. شورا به طور معمول در هر سال دو بار تشکیل جلسه می‌دهد. جلسات فوق العاده شورا می‌تواند با درخواست دو عضو منعقد شود. جلسات سالانه شورا یک بار در سطح وزرای خارجه و بار دیگر در سطح سران خواهد بود. سابقاً محل تشکیل جلسات شورا در قاهره - مقر دائمی اتحادیه - بود که بعد از پیمان «کمپ دیوید» و متعاقب آن که به اخراج مصر از اتحادیه منجر شد، مقر اتحادیه به طور موقت به تونس انتقال یافت. با پذیرش مجدد مصر توسط کشورهای عربی، مقر اتحادیه نیز مجدداً به قاهره منتقل شد. بر اساس ماده ۱۰ اساسنامه، این امکان وجود دارد که جلسات شورا در محل دیگری که خود تعیین می‌نماید، تشکیل شود. طبق ماده ۶ اساسنامه، اعضای شورا به اتفاق آرا، تصمیم می‌گیرند و شرط لازم برای تصمیم‌گیری شورا در قبال تجاوز و یا تهدید به تجاوز یک کشور عضو، اتفاق آرای همه اعضای شورا می‌باشد البته، کشوری که مورد تهدید واقع شده و متهم یا متهمین به تجاوز، حق رأی ندارند. اجرای تصمیمات مربوط به مسائل کارکنان اتحادیه و تصویب بودجه، مقررات داخلی و اعلام ختم اجلاسها منوط به نظر اکثر اعضای شورا می‌باشد^(۳).

بر اساس ماده ۷ اساسنامه، هر تصمیمی که به اتفاق آرا گرفته شود همه کشورهای عضو اتحادیه را متعهد می‌سازد ولی، تصمیمهایی که با اکثریت آرا اخذ شود، صرفاً کشورهای را متعهد و ملزم می‌سازد که به آن تصمیمها، رأی موافق داده باشند. با توجه به این ماده، شورا در عمل تلاش نموده است تا تصمیمهای خود را به اتفاق آرا به تصویب برساند. در بسیاری از موارد، عدم حصول به اتفاق آرا، اختلالاتی را در فعالیتهای

شورا باعث شده است^(۴).

۲- کمیسیونها

کمیسیونها مأمور تأمین همکاری میان کشورهای عضو در قلمرو امور اجتماعی، سیاسی، نفتی، مالی، فرهنگی، بهداشتی، مخابراتی و امور قضایی و انتظامی می‌باشند. کمیسیونها اساس همکاری میان دولتهای عضو اتحادیه را فراهم نموده و نتیجه مطالعات را به شکل پیش نویس پیشنهادی و یا موافقت‌های بین‌المللی را جهت بحث و تصویب به شورای اتحادیه ارائه می‌دهند. به طور کلی، فعالیت‌های اصلی اتحادیه عرب بر پایه عملکرد کمیسیونهای دائمی استوار است.

۳- دبیرخانه

در رأس دبیرخانه، دبیر کل قرار دارد که با رأی دو سوم اعضای نمایندگان حاضر در اتحادیه انتخاب می‌شود. دبیر کل با نظر شورا، دو معاون را برای خود بر می‌گزیند و کارکنان اصلی اتحادیه، با نظر وی منصوب می‌شوند.

این کارکنان اکثراً تبعه مصر هستند^(۵). دبیر کل برای یک دوره پنجساله دیگر می‌تواند در سمت خود ابقا شود. مقررات داخلی، ناظر بر کار دبیرخانه و حوزه ادارات فرعی آن می‌باشد. همچنین بعضی از اداره‌های موقت متعلق به اتحادیه در کشورهای دیگر مستقر هستند. دبیرکل کنونی اتحادیه عرب «عصمت عبدالمجید» می‌باشد.

فصل چهارم: بودجه اتحادیه عرب

بودجه سالانه اتحادیه، افزون بر چهار میلیون دلار است. میزان سهم اعضای اتحادیه ظرف چهل و چند سالی که از تأسیس آن می‌گذرد، دچار تغییرات بسیاری شده است. مصر در ابتدای کار بیش از ۴۰ درصد، عراق ۲۰ درصد، سوریه ۱۶ درصد و عربستان ۷ درصد از بودجه اتحادیه را تأمین می‌کردند. و زمانی که کشورهای نفت خیز عرب به اتحادیه پیوستند، تغییرات بسیاری در حق السهم کشورهای عضو به وجود آمد.

۴- همان منبع، صفحه ۴۹۹

۵- همان منبع، صفحه ۵۰۱

جدول شماره (۱) - تغییر و تبدیل میزان سهمیه کشورهای عرب در پرداخت بودجه اتحادیه

۱۹۷۴-۱۹۷۳	۱۹۶۵-۱۹۶۴	۱۹۵۵-۱۹۵۳	کشورهای عضو اتحادیه
٪۶	٪۵		الجزایر
٪۱۱	٪۱۰/۹۷	٪۱۵	عربستان سعودی
٪۱			بحرین
٪۱۴	٪۲۳/۷۳	٪۴۰	مصر
٪۶			امارات متحد عربی
٪۱۰	٪۱۰/۹۴	٪۱۷	عراق
٪۱۳	٪۱/۹۳	٪۳	اردن
٪۱۴	٪۱۴		کویت
٪۲/۵	٪۳/۸۵	٪۶	لبنان
٪۱۱	٪۱/۵۰	٪۲	لیبی
٪۶/۴	٪۱۰/۶۸		مراکش
			موریتانی
٪۱			عمان
٪۴			قطر
			سومالی
٪۳/۸	٪۴/۱۱		سودان
٪۲/۵	٪۷	٪۱۳	سوریه
٪۳	٪۴/۶۷		تونس
٪۱	٪۰/۹۳	٪۳	یمن شمالی
٪۱			یمن جنوبی

منبع: Hasson A.M., Les Organisations arabes specialisees, these. Paris I, 1975.

* منابع آماری و ارقام سالهای بعد در دسترس نمی باشد.

فصل پنجم: نهادهای دفاعی و اقتصادی اتحادیه عرب

در عهدنامه ۱۹۵۰، تشکیل پنج نهاد به شرح زیر پیش بینی گردید:

۱- شورای دفاع مشترک

مشکل از وزیران دفاع و امور خارجه دولتهای عضو یا نمایندگان آنها می باشد و اقدامهای لازم جهت دفع هر گونه تجاوز به دولتهای عضو، به این شورا تفویض شده است. شورای دفاع مشترک، دفاع از دولتهای عضو را هماهنگ می نماید. مسؤولیت این نهاد با شورای اتحادیه عرب می باشد و تصمیمهای

شورای دفاع مشترک با اکثریت دو سوم آرا اتخاذ شده و همه دولتهای عضو را مقید و ملزم می‌سازد.

۲- سازمان مشاور نظامی

این سازمان، متشکل از رؤسای کشورهای دولتهای عضو اتحادیه می‌باشد. از جمله وظایف مهم این سازمان نظارت دائمی بر کار کمیسیون نظامی و مرور گزارشها پیش از ارائه به شورای دفاع مشترک است.

۳- کمیسیون نظامی دائمی

این کمیسیون یک هیأت تخصصی دائمی است که طرحهای دفاع مشترک میان دولتهای عضو اتحادیه را تنظیم می‌نماید.

۴- فرماندهی متحده عرب

فرماندهی متحده عرب، فرماندهی کل نیروهای مشترک نظامی را بر عهده دارد و مسؤلیت این نهاد بر عهده کشوری است که برای شرکت در عملیات مشترک، پرسنل و ادوات نظامی بیشتر را تأمین کند.

۵- شورای اقتصادی

شورای اقتصادی، متشکل از وزیران امور اقتصادی کشورهای عضو بوده که موظف به هماهنگی سیاستهای اقتصادی می‌باشد. این شورا از کمیته‌های فرعی کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، امور مالی، حمل و نقل، جهانگردی و... تشکیل شده است.

فصل ششم: ویژگیهای سازمانهای تخصصی اتحادیه عرب

۱- این سازمانها در قبال اتحادیه، وضع ثابتی ندارند. گاهی سازمانی به لحاظ اینکه از اتحادیه، کمکهایی را دریافت می‌کند و یا شورا بودجه آن را تأمین می‌نماید، با نظارت کامل اتحادیه اداره می‌شود و بالعکس گاهی فارغ از هر گونه قید و بند به طور مستقل انجام وظیفه می‌نماید.

۲- اعضای اتحادیه، لزوماً همگی عضو نهادهای تخصصی نیستند؛ مثلاً اردن، سوریه، عراق، کویت و مصر در همه سازمانهای تخصصی عضویت دارند و برخی از کشورها نظیر تونس، سومالی و مراکش فقط عضو چند سازمان می‌باشند^(۶).

در ادامه، عضویت کشورهای عرب در سازمانهای تخصصی ارائه می‌گردد.

فصل هفتم: روابط اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه عرب

افسانه ملت عرب و منابع حاصل از نفت ممکن بود ادغام اقتصادی را در منطقه خاور میانه بسیار محکم و استوار سازد ولی، با وجود تلاش بسیار، چنین ادغامی را نمی توان موفقیت آمیز تلقی کرد. کشورهای عرب از سال ۱۹۵۳ میلادی در آرزو و اندیشه ایجاد یک منطقه برای مبادله آزاد تجاری بودند و بر همین اساس قراردادهای گوناگون بازرگانی بین اعضای اتحادیه عرب، ابتدا میان لبنان، مصر و اردن (در سال ۱۹۵۳) و سپس با عراق (سال ۱۹۵۵)، سوریه (سال ۱۹۵۶)، عربستان سعودی (سال ۱۹۵۹) و کویت (سال ۱۹۶۳) به امضا رسید. با تبدیل قراردادهای دو جانبه به قراردادهای چند جانبه، قوانینی برای کاهش حقوق گمرکی و یا معافیت از پرداخت حقوق گمرکی به تصویب رسید.

از سال ۱۹۵۴ به بعد، با پیشنهاد لبنان به کمیسیون سیاسی اتحادیه عرب، مبنی بر گسترش قراردادهای سال ۱۹۵۳ و پی گیری این درخواست در سال ۱۹۵۷، مباحثاتی بین اعضا صورت پذیرفت. این پیشنهاد پس از پنج سال مذاکره دشوار میان جمهوری متحد عربی مصر و عراق در سال ۱۹۶۲ به امضای یک قرارداد اتحاد بین شش کشور جمهوری متحد عربی مصر، سوریه، کویت، اردن، عراق و مراکش انجامید که البته کشور مراکش در مراحل نهایی از تصویب آن سرباز زد. این قرارداد در سال ۱۹۶۴ به صورت گسترده تری مورد پذیرش قرار گرفت که این بار نیز از جانب کویت به تصویب نرسید. با وجود این، قرارداد یاد شده در زمینه گمرکی و سهمیه ای، یک منطقه مبادله آزاد را به وجود آورد که در آن منطقه، محصولات آزادانه و با معافیت از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی مبادله می شدند. در این توافق، تشکیل یک بازار مشترک یعنی، آزادی عبور و مرور افراد و نقل انتقال سرمایه ها، آزادی کار، آزادی انجام فعالیتهای اقتصادی و وحدت عربی پرداختها و غیره پیشنهاد شده بود ولی، برای اجرای آن هیچ طرحی پیش بینی نشده بود.

با این که این قرارداد توانست در مجموع، برنامه زمانی خود را رعایت کند ولی، تحقق حذف یا تخفیف تعرفه، به هیچ وجه به مبادلات تجاری میان اعراب رونق نبخشید^(۷).

با ورود به دهه ۸۰ میلادی و با افزایش تعداد اعضای اتحادیه عرب، نقش اشتراک و همکاری اقتصادی - همگام با رشد توان اقتصادی اتحادیه - شروع به نشو و نما کرد. وجود منافع مشترک، زمینه های جدیدی را در مسائل اقتصادی فراهم کرد که از جمله آثار آن می توان به تأسیس بازار مشترک عربی، بانک توسعه، شرکت دریانوردی، شورای هواپیمایی، صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی، سازمان کشورهای عرب صادر کننده نفت و سازمان توسعه کشاورزی اشاره کرد.

فصل هشتم: تگناهای سیاست خارجی اتحادیه عرب

در ارزیابی سیاستهای اتحادیه، می توان دسته بندی های مختلفی را قائل شد. شیوه مورد نظر در این مبحث، تقسیم خط مشی اتحادیه به مسائل سیاسی - نظامی و اقتصادی است که اجمالاً اشاره ای گذرا به هر

۷- ژاک نم و کلت نم، سازمانهای اقتصادی بین المللی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. صفحات ۴۴۱ و ۴۴۲، پراکنده.

یک خواهیم داشت:

با آن که کارنامه اتحادیه، از نقطه نظر عملکرد اقتصادی در قیاس با عملکرد سیاسی - نظامی سازمان برابرتر است ولی، این بعد نیز از مشکلات و معضلات ناشی از عدم حصول به اجماع شدیداً متأثر بوده و هست. دولتهای عضو هیچگاه نتوانسته‌اند مسائل اقتصادی را به طور مستقل و فارغ از تعلقات سیاسی مدنظر قرار دهند و لذا بازتابی از مشارکت یا تعارض سیاسی میان اعضا را می‌توان در تصمیم‌گیریهای اقتصادی آنان به نحوی کمرنگ‌تر مورد شناسایی قرارداد.

از نقطه نظر عملکرد سیاسی - نظامی، می‌توان این اتحادیه را از جمله ناموفق‌ترین اتحادیه‌ها قلمداد کرد. به جرأت می‌توان گفت که در بیشتر جهتگیریهای عمده سیاسی، نمی‌توان نشانه‌ای از وفاق عام این کشورها را جستجو کرد. اگر بخواهیم به طور دقیق تفارق نظر، میان اعضای اتحادیه را مورد بررسی قرار دهیم، به چند مورد عمده می‌توان اشاره کرد:

الف - عدم اتفاق نظر در حل اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای عضو و مسائل مبتلابه منطقه.

ب - تضاد فکری و ناتوانی در جلوگیری و مقابله با هجوم اسرائیل به تمامیت ارضی کشورهای عرب.

ج - اختلاف نظر پیرامون چگونگی برخورد با مسئله فلسطین.

د - وجود رقابت شدید و رویه تشدید کشورهای قدرتمند عضو اتحادیه برای به دست‌گیری رهبری اتحادیه.

ه - ترجیح منافع داخلی، مقطعی و موردی بر هدفهای درازمدت اتحادیه.

که از این میان به چند مورد خواهیم پرداخت:

۱ - اختلاف نظر میان کشورهای عضو اتحادیه، پیرامون چگونگی برخورد با مسئله فلسطین یکی از مهمترین ضعفهای اتحادیه، به ویژه در بعد سیاسی آن است. این ضعف به خصوص پس از تحریم سیاسی مصر و تعلیق عضویت آن کشور - که متعاقب امضای پیمان «کمپ دیوید» اتفاق افتاد - مشخصتر شده و کماکان تا به امروز ادامه دارد. تنها تفاوت آشکاری که می‌توان امروز در مواضع دولتهای عضو اتحادیه در قبال مسئله فلسطین یافت، جابه‌جایی عناصر موافق و مخالف است. در وضعیت کنونی، بیشتر کشورهای عرب، به ویژه در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که زمانی در صف مخالفان صلح با اسرائیل قرار داشتند، تغییر موضع داده و به صف موافقین پیوستند. اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان، ایجاد روابط عادی با اسرائیل (منجمله دولت عراق) و عدم امکان حصول به نظریه «مرضی الطرفین» امروزه یکی از معضلات سیاسی این اتحادیه به شمار می‌رود که بازتاب آن را می‌توان در سایر ابعاد فعالیت اتحادیه نیز جستجو کرد.

۲ - وجود رقابت رو به رشد، میان دولتهای قدرتمند عرب برای اخراج ریاست اتحادیه، باعث بروز تنشهایی در روابط میان مدعیان رهبری جهان عرب شده است.

همچنین، این تنش حاصل از رقابت، باعث شده است تا سایر کشورهای عرب نیز به کشورهای مدعی ریاست، نظیر مصر و عربستان با دیده تردید بنگرند و تحرکات آنها را ناشی از سلطه جویی قلمداد کنند.

۳- عدم توفیق در حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای عضو و عدم کامیابی در حل مسالمت آمیز بحرانهای منطقه‌ای، از یک سو نشان از ناتوانی اتحادیه داشته و از سوی دیگر شکاف ناشی از عدم هماهنگی و وحدت نظر را گسترده‌تر ساخته است. به این مفهوم که امروزه برای تک‌تک کشورهای عرب عضو اتحادیه، تعقیب منافع ملی و اولویتهای سیاستهای خارجی خاص از چنان جایگاهی برخوردار است که روح و هدف اصلی اتحادیه را خدشه‌دار ساخته است.

نمونه بارز این ادعا را می‌توان در نبود نظر واحد و جناح بندی کشورهای عرب در قبال تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ مشاهده کرد.

در جریان این تهاجم کشورهای عضو اتحادیه به دو جناح متقابل تقسیم شدند. از یک سو کشورهای بحرین، جیبوتی، مصر، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان، سومالی، سوریه و امارات متحده عربی، جبهه واحدی را علیه عراق تشکیل دادند و این تجاوز را محکوم کردند. حتی برخی از این کشورهای نظیر مصر و سوریه با گسیل نیروهای نظامی خود در جهت پیوستن به نیروهای چند ملیتی به رهبری امریکا در تسلیح و پاره‌ای دیگر نظیر امارات عربی متحده به نحو مستقیم و غیر مستقیم در تمویل نیروهای مشارکت کردند و از سوی دیگر پاره‌ای از کشورهای عرب مانند الجزایر، اردن، لیبی، موریتانی، سودان، یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین از عراق حمایت کردند.

در موضع گیری‌هایی از این نمونه در قبال مسائل منطقه‌ای و یا بین‌المللی به وضوح می‌توان نبود انسجام و وحدت علمی میان اعضای اتحادیه را مشاهده کرد. به گفته «محمود ریاض» دبیرکل پیشین اتحادیه عرب، حمله عراق به کویت منجر به پدید آمدن شکافی خطرناک در وحدت کشورهای عربی شد و این کشورها به جای حفظ وحدت اعراب در مقابله با دشمن یا دشمنانی که امنیت و صلح آنها را تهدید می‌کنند، تجهیزات نظامی در نابودی یکدیگر به کار بردند. ریاض در مورد پیامدهای این بحران می‌گوید: «نتیجه چنین امری سرازیر شدن نیروهای بیگانه به منطقه و تحقق آرزوی دیرین امریکا برای حضور در خلیج فارس بود که پس از ۴۰ سال رسماً تحقق یافت». با این اوصاف چنین به نظر می‌رسد که افتراقات

